

نقش مضامین دینی در توسعه گردشگری مذهبی نمونه موردی: هنر عاشورایی در کاشیکاری بناهای شهر شیراز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

کد مقاله: ۴۹۸۸۰

محمد رضا احمدی^{۱*}، مهدی نعمتی^۲

چکیده

گردشگری مذهبی یکی از انواع گردشگری شهری محسوب می‌گردد که از ادوار گذشته تا به امروز مورد توجه بوده است. در خصوص این نوع گردشگری بناهای مذهبی اصلی‌ترین هدف گردشگران به شمار می‌آید که مضامین دیوارنگاره‌های آن‌ها نقش بسیار مهمی در توسعه این نوع گردشگری دارد. بعد از گسترش دین اسلام در ایران، مضامین تزئینات بناها در شهرهای مختلف نیز تغییر فراوان کرد و موضوعات مذهبی اسلامی نقشمایه اکثر کاشیکاری‌ها و دیگر هنرهای این دوره شد. حماسه عاشورا به عنوان یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ اسلام مورد توجه هنرمندان این دوره قرار گرفت و نقش آن در بسیاری از بناها بر روی کاشی ایجاد شد. این حادثه آن‌چنان مورد توجه قرار گرفت که بسیاری از مردم، داستان این رویداد بسیار مهم مذهبی را حتی در خانه‌های خود بر روی کاشی اجرا می‌کردند. شهر شیراز نیز از این امر مستثنی نبوده و در بسیاری از بناهای مذهبی این شهر، این رویداد مهم توسط هنرمندان این شهر بر روی کاشی نقش شده است. در این مقاله سعی بر آن شده تا نقشمایه‌های عاشورایی بناهای شهر شیراز مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: گردشگری مذهبی، کاشی، بناهای مذهبی، عاشورا، شیراز

۱- کارشناس حوزه گردشگری شهرداری شیراز (کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی) wvja_24@yahoo.com

۲- کارشناس حوزه گردشگری شهرداری شیراز (کارشناس ارشد مدیریت شهری)

مذهب به عنوان یکی از اصیل ترین و حیاتی ترین نیازهای معنوی انسان، همواره از جایگاهی ویژه در زندگی او برخوردار بوده و هنرهای دینی، شایسته ترین جایگاه تجلی این تمایلات معنوی به حساب می آمده است. نمود مذهب در هنر یا آمیختگی این دو با یکدیگر در طول تاریخ به حدی است که اکثر آثار هنری به شکلی نمادین، بیانگر مفاهیم مذهبی و دینی است. از سوی دیگر هنرهای مذهبی از جمله هنر عاشورایی در ایران، هماهنگی و هم آمیزی بسیار قابل انطباقی با پیشینه فرهنگی و تاریخ ایران دارد. تجلی مضامین دینی موجود در روایات مذهبی و نمایش مفاهیم معنوی در آثار و نگاره هایی با موضوع دین، مذهب و تعلیم اسلامی به خصوص واقعه عاشورا به عنوان عمیق ترین حماسه و عظیم ترین رویداد نمادین در تاریخ اسلام و مذهب تشیع علاوه بر آن که بیانگر مظلومیت و رشادت های معصومین است، زمینه ای مناسب برای ترویج اعتقادات و احیای آرمان های روحانی است که در جهت تطهیر و هدایت مسلمانان و مومنین، مورد نظر و مقصد نهایی بزرگانی چون ائمه معصومین و تاکید بر تداوم راه انبیاء بوده است. یکی از دوره های که شرایط سیاسی-اجتماعی آن بستر ظهور نقاشی هایی با مضمون عاشورا را بوجود آورد، دوره قاجار بود. در دوره قاجار به دلیل تحولات پس از مشروطه، نقاشی مذهبی عمدتاً محدود به نقاشی های عامیانه ای می شد که اکثراً توسط نقاشان غیر درباری و غیر حرفه ای تهیه می شدند. نقاشی قاجار در حقیقت ادامه نقاشی دوره زندیه می باشد. این دو دوره بدون هیچ خط و مرز معینی در یکدیگر ادغام می شوند. دوره قاجار اوج نقاشی مذهبی قلمداد می شود. تلاش شاهان قاجار برای اتحاد شیعیان و ادعای رهبری جامعه شیعه با حمایت از مراسم و فعالیت های مذهبی و احداث و مرمت ابنیه مذهبی همچون امامزاده ها، بقعه ها، تکیه ها و سقاخانه ها همراه بود. حمایت مردم نیز عامل دیگری برای رشد نقاشی مذهبی بود. به موازات حکومت، گرایش های مذهبی در بین مردم نیز رواج داشت و مذهب به عنوان یکی از پایگاه های قدرتمند اجتماعی مطرح گردیده بود. شهر شیراز به عنوان سومین حرم اهل بیت(ع) دارای اماکن مذهبی زیادی است که نقش موثری در تقویت گردشگری مذهبی این شهر دارد. در این مقاله نقشمایه های عاشورایی بناهای مذهبی این شهر مورد بررسی قرار گرفته است. هر چند درون خانه های قدیمی شهر شیراز مضامین مذهبی بر روی کاشی ایجاد شده اما بسیاری از آن ها مضمون عاشورا ندارند و یا این که نویسندگان این مقاله از آن بی خبرند. در خصوص این موضوع، مقاله و یا کتابی چاپ نشده است. تنها می توان به مقاله محمدی و دارابی(۱۳۹۶) با موضوع بررسی تزئینات حسینی مدرسه سلطانیه شیراز و مقاله کیان(۱۳۹۲) با موضوع حسینیه مشیر و کاشی نگاره ها ۱۳۱۰ ه.ق اشاره نمود. در خصوص سقاخانه های شیراز نیز مقاله ای از علی آبادی و زارع(۱۳۹۷) با موضوع بازشناسی ارتباط معناگرایانه سقاخانه ها در موقعیت فرارگیری با تاکید بر سقاخانه ها چاپ شده اما توجه زیادی به نقشمایه کاشیکاری ها نشده است.

۲- گردشگری شهری

توریسم شهری ترکیب پیچیده ای از فعالیت های مختلف است که از به هم پیوستن در محیط ویژه و قادر ساختن شهر در جذب بازدیدکنندگان است. تعریف گردشگری شهری با وجود انگیزه های مختلف و تعریف مشخصی که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند، کاری مشکل است اما می توان بر اساس تعاریفی که از توریست انجام گرفته و مورد قبول همه است، توریست شهری را چنین تعریف کرد: توریست شهری، فردی است که به قصد مسافرت به شهری به غیر از شهر یا مکان سکونت و محیط عادی خود با انگیزه گردش و تفریح، تجارت، دیدن دوستان و اقوام یا فعالیت های دیگر برای بهره برداری و استفاده از فضای شهر و امکانات و تسهیلات و جاذبه های شهری مسافرت می کند(موحد، ۱۳۸۴: ۱۲). نواحی شهری به علت آن که جاذبه های تاریخی و فرهنگی بسیاری دارند، در اغلب موارد، مقاصد گردشگری مهمی محسوب می شوند.

۳- گردشگری مذهبی

گردشگری، مجموع پدیده ها و ارتباطات ناشی از کنش متقابل گردشگران، دولت ها و دانشگاه ها و سازمان های غیر دولتی، جوامع میزبان و سرمایه ها در فرایند جذب، حمل و نقل، پذیرایی و کنترل کنشگران و دیگر بازدیدکنندگان است. این صنعت یکی از بزرگترین و سریعترین بخش های اقتصادی در حال رشد است و بسیاری از کشورهای پیشرفته، درآمد قابل توجهی از این صنعت به دست می آورند. لوئیس ترنر، گردشگری را امیدبخش ترین صنعتی می داند که جهان سوم با آن روبروست و معتقد است گردشگری بیشترین امکان جانشینی دیگر صنایع درآمدزا را دارد(محرابی، ۱۳۸۹: ۳). با توجه به این که گردشگری، مفهومی میان رشته ای و چند وجهی است، می توان آن را از دیدگاه های مختلفی همچون جغرافیایی، اقتصادی، جامعه شناختی و مدیریتی مورد بررسی قرار داد. بدین سبب تعاریف متعددی نیز از این دیدگاه ها برای گردشگری صورت گرفته است. یکی از اشکال گردشگری، گردشگری مذهبی است که بر زیارت و حضور در اماکن مذهبی تاکید دارد. گردشگری مذهبی را می توان گونه ای از گردشگری دانست که گردشگران در آن با انگیزه های دینی و مذهبی از مکان های مقدس نظیر مساجد، امامزاده ها، کلیساها، مقبره ها و مانند آن ها بازدید می کنند(رحیم پور، ۱۳۷۹: ۱۴). این نوع گردشگری دارای پتانسیل اجتماعی فرهنگی برای تغییرات حالات انگیزه ای یک فرد که نیاز به مسائل فرهنگی و مذهبی در حضور معنوی دارد، می باشد. این نوع گردشگری، یکی از کهنترین و پر رونق

ترین انواع گردشگری از زمان های گذشته تا حال حاضر در سراسر جهان است (تقوایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱). در دوران مدرن، سفرهای با انگیزه اصلی معنوی با رشد چشمگیری همراه شده است. در جامعه سنتی ایران نیز، گردشگری مذهبی جایگاه ویژه ای در پر کردن اوقات فراغت شهروندان آن دارد. گردشگری اسلامی نیز تعبیر جدیدی از مفهوم زیارت است که از ادغام گردشگری مذهبی و تفریحی به دست آمده است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۹).

۴- بناهای مورد بررسی

در مقاله پیش رو سعی بر آن شده تا بناهایی که نقاشی های عاشورایی در آن کار شده، مورد بررسی قرار بگیرد. متأسفانه از وجود نقشمایه های مذهبی عاشورایی در خانه های تاریخی به دلایل مختلف اطلاعاتی نداریم و امیدواریم در آینده، مقابله هایی در این زمینه نوشته و یا همین مقاله تکمیل گردد. بناهای مورد بررسی این مقاله شامل امامزاده ابراهیم (ع)، امامزاده سید تاج الدین غریب (ع)، سقاخانه مشیر، حسینیه مشیر، سقاخانه واقع در قصر دشت و سقاخانه تازه تاسیس میدان شهرداری می باشد. متأسفانه در سال های قبل حسینیه مشیر به طرز وحشتناکی از بین رفته و تنها ساختار اصلی آن بر جای مانده و سقاخانه مشیر نیز در سال های اخیر مورد بی مهری قرار گرفته و بسیاری از کاشی های آن از بین رفته و یا روبرو شده است.

۴-۱- امامزاده ابراهیم (ع)

امامزاده ابراهیم (ع) در نزدیکی گورستان دارالسلام قرار دارد. این بقعه که مدفن یکی از فرزندان امام هفتم، امام موسی کاظم (ع) است توسط یکی از سرداران فارس به نام زکی خان ساخته شده که به احتمال زیاد زکی خان نوری می باشد. بعد از حادثه زلزله در سال ۱۲۹۶ ه.ق مرحوم میرزا نعیم لشکرنویس باشی پسر مرحوم زکی خان نوری تجدید عمارتش نمود و تاکنون به آبادی برقرار است (احمدی و هوایی، ۱۳۹۸: ۲۲). حرم امامزاده در وسط یک حیاط قرار گرفته و آن را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرده است. در حیاط جنوبی سنگ قبرهایی وجود دارد که برخی از آن ها درون اتاق ها قرار گرفته و آرامگاه خانوادگی می باشد. درون بقعه هنر آیینی کاری انجام شده که توسط حاج جعفر دالکی کار شده است. در حیاط شمالی یک سنتوری، پیشانی یا هلالی بسیار زیبا وجود دارد که با کاشی هفت رنگ پوشیده شده و صحنه هایی از واقعه کربلا و قیامت را نشان می دهد و در پایین آن اشعاری نوشته شده و در آخر تاریخ ۱۳۱۵ ه.ق آمده است. بر طبق نوشته این عمل به فرمایش آقای حاج سید شریف بوده و نقاش این سنتوری که در آخر نام او ذکر شده، محمداقبر نقاش می باشد. در دو طرف این سنتوری نیز دو قاب کاشی وجود دارد که در سمت چپ نقش امام رضا (ع) در دربار هارون را نشان می دهد و در سمتی دیگر نقش امام موسی کاظم (ع) را در زندان مامون نشان می دهد (افسر، ۱۳۷۴: ۱۴۸).



شکل ۱- سنتوری یا پیشانی امامزاده ابراهیم (ع)
(ماخذ: نویسندگان، ۱۳۹۸)



شکل ۲- سنتوری امامزاده ابراهیم (ع)
(ماخذ: نویسندگان، ۱۳۹۸)

هلالی این بقعه به روش حسینیه مشیر انجام شده است. با مقایسه تاریخ ساخت کتیبه های کاشی نگاره ها به نظر می رسد که با فاصله حدود ۴۵ سال از یکدیگر نقاشی شده اند و در آن زمان هنوز قاب کاشی حسینیه بر جای خود استوار بوده است. تفاوت این دو قاب (قاب حسینیه و امامزاده) تمایل محمداقبر نقاش به طبیعت پردازی نسبت به آقا میرزا بزرگ است. همین طبیعت پردازی سبب شده تا چهره و بدن شخصیت ها واقعی تر باشد و بزرگنمایی شخصیت های معصومین به نسبت سایر سپاهیان رعایت نشود. همچنین رنگ لباس ها و صحنه اطراف تنوع رنگی کاشی نگاره حسینیه مشیر را نداشته و در مجموع حس نقاشی مذهبی و تمایل به نقاشی قهوه خانه ای در آن کم رنگ شده است (کیان، ۱۳۹۲: ۸۱).

مجالس عاشورایی سنتوری امامزاده

۱. بردن حضرت علی اصغر (ع) به صحنه نبرد: در این مجلس امام حسین (ع) سوار بر ذوالجناب، پرچم و نوزاد قنداق پیچی (علی اصغر) را با دست راست در آغوش گرفته است. بر دور سر امام حسین (ع) هاله ای از نور وجود دارد که در تمام قاب ها به دور سر اتمه دیده می شود. پنج زن روبنددار و چهار بچه در تصویر حضور دارند که دو بچه در نزدیکی اسب امام در حال خواهش کردن از ایشان هستند.



شکل ۳- سنتوری امامزاده ابراهیم (ع)
(ماخذ: نویسندگان، ۱۳۹۸)

۴. مذاکره با امام (ع) برای مصالحه: امام سوار بر اسب و نیزه ای در دست، بزرگترین شخصیت این مجلس است. بالاپوش حضرت و سر و سینه اسب پر از تیرهایی است که به سوی ایشان پرتاب شده است. تکیه دادن سر به نیزه، حالتی را پدید آورده که نشان از تعمقی کوتاه و تنهایی ایشان است. مردی با پوشش عربی، سوار بر شتر در حالی که ترکه ای در دست چپ و طوماری در دست راست دارد، دیده می شود. در پایین صحنه و در نزدیکی سر اسب، درویشی با موهای بلند، لباس آبی و کشکولی بر دست، نیم رخ ترسیم شده و افسار اسب حضرت را گرفته تا او را از ادامه رسالتش باز دارد. در پشت درویش، چهار شخصیت با لباس قاجاری و تاج های زرین، دست به سینه اما شمشیر به دست، پشت سر هم صف کشیده اند. در پشت حضرت، ده نفر نیمه برهنه با چشمان گرد و نیزه های بلند در ردیف های سه تایی ایستاده اند. به نظر می رسد که اینان افراد سپاه جنیان هستند. شش فرشته در ردیف در دو سوی حضرت ایستاده اند در حالی که در هر دست چیزی شبیه پرنده را به او تقدیم می کنند.



شکل ۴- سنتوری امامزاده ابراهیم (ع)
(ماخذ: نویسندگان، ۱۳۹۸)

خیمه‌هایی در سمت راست تصویر به رنگ های مختلفی دیده می شود و هفت فرشته بالدردار در اطراف سر امام دیده می شوند و دست خود را به سوی او دراز کرده اند و به امام نگاه می کنند (همایونی، ۱۳۷۱: ۴۸).

۲. شهادت حضرت علی اکبر (ع) در آغوش امام حسین (ع): در این قاب امام حسین (ع) سر فرزندش را روی پاهایش قرار داده و دو اسب در کنار او به رنگ های سیاه و سفید ایستاده اند.
۳. بریدن سر حضرت قاسم (ع) در مقابل دیدگان عمو: در این تصویر حضرت قاسم (ع) در آغوش امام قرار دارد و شخصی در حال بریدن سر او است. پشت سر امام هشت پیکر بر روی زمین قرار دارد.

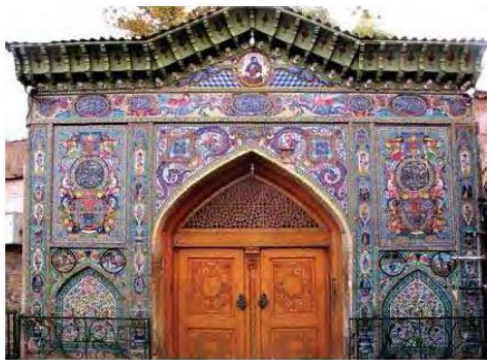
۵. رشادت حضرت ابوالفضل العباس (ع): حضرت عباس (ع) با لباس رزم و سوار بر اسب، بزرگترین شخصیت این مجلس است. پشت سر حضرت، هاله قدسی وجود دارد. ایشان شمشیر را با دست چپ گرفته و بدن سوارکاری را از فرق سر به دو نیم کرده است. زیر بدن حضرت، محدوده ای به رنگ نیلی و چند ماهی نقاشی شده که نشانه ای از محل این رویداد در کنار رود فرات است. تعدادی جسد و سرهای بدون بدن در پایین قاب دیده می شود. کرنا نوازان دشمن در حال تهییج سپاهیان هستند. همه این نشانه ها حاکی از تعداد زیاد دشمن در برابر حضرت ابوالفضل است.

۶. ناظران کارزار: در این مجلس پانزده سوارکار نیزه دار در سمت چپ تصویر هستند، در حالی که فقط هفت اسب را می توان دید. در پیشاپیش آن ها، سرداری ریش سفید، سوار بر اسبی قهوه ای با لباس و کلاه درباری و چتر کوچکی در دست چپ، به خوبی در قاب جای گرفته اند.

۴-۲- امامزاده سید تاج الدین غریب (ع)

این بقعه یکی از بقاع بسیار مهم شهر شیراز می باشد که در دروازه کازرون این شهر قرار دارد. این بقعه آرامگاه جعفر بن فضل بن جعفر بن علی ابن ابیطالب (ع) ملقب به ((تاج الدین)) و ((غریب)) است. همچنین مقبره محمد بن حسن مثنی ابن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) نیز در این بقعه قرار دارد. یکی از جاذبه های این آرامگاه ورودی آن و قسمت مربوط به کاشی های هفت رنگ می باشد. بر روی این کاشی ها تصاویر گل و بته، تصاویر خانه ها یا کلیساهای اروپایی، تصاویر وقایع کربلا نقاشی شده است. بالای سردر ورودی، تصویر حضرت علی (ع) روی کاشی و در یک قاب نقش شده که در دو طرف آن را دو فرشته با دست نگه داشته اند. لباس این فرشته ها به رنگ سبز و بال های آن ها سفید رنگ می باشد. دور قاب نیز با گل تزئین شده است. در پایین این تصویر یک قاب با کاشی لاجورد وجود دارد که بر روی آن با خط ثلث سفید قسمتی از آیه ۱۹ سوره آل عمران با مضمون ((إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ)) نوشته شده و در پایین قاب سال ۱۳۵۰ با خط مشکی نوشته شده که این قاب را نیز دو فرشته با دستان خود نگه داشته اند. در دو سمت این قاب های دیگری قرار دارد که در سمت چپ ((مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ)) و در قاب دیگر ((فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ)) نوشته شده که هر دو آیه ۱۹ سوره آل عمران می باشد. در آخر نیز بر روی یک قاب کوچک نام کاتب کتیبه ها ((حرره عبدالعلی اشرف الکتاب)) آمده است. در سمت راست نیز به مانند سمت چپ روی قاب های کاشی سه عبارت نوشته شده که از سمت راست ((قال

الله تبارک و تعالی)، ((شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَ أَمَّا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)) که عبارت دوم بر روی دو قاب نوشته شده است. بالای ورودی و بر روی لچکی ها، نقش دو فرشته دیده می شود که گلی را با دست گرفته اند و در لچکی سمت راست روی کاشی ((ادخلوها)) و در سمت چپ ((بسلام آمین)) نوشته شده است. طرح روی کاشی ها، گل و گلدان و نقش های اسلیمی است. در سمت چپ و راست در ورودی دو قاب مستطیل شکل قرار دارد که طرح روی کاشی ها گل و چهار فرشته که دو فرشته با دستان خود یک قاب و یک گلدان را نگه داشته اند. درون قاب عبارت ((و أنا سبط الذی من غیر جرم قتلونی و بجرد الخیل بعد القتل عمدا سحقونی)) و روی گلدان پایین مصراع اول شعری از حافظ ((بیا که چاره ذوق حضور و نظم امور)) و در پایین با خط سبز ((سال تاسیس هزار و سیصد و ده شمسی)) نوشته شده است و در قاب دیگر عبارت ((شیعی ما ان شربتم ماء عذب فاذکرونی أو سمعتم بغریب أو شهید فاندبونی)) و بر روی گلدان مصرع دوم شعر حافظ ((به فیض بخشی اهل نظر توانی کرد)) و در پایین آن نام ((سید محمد)) و در آخر نیز با رنگ سبز ((کارخانه سیروسی، حاج سید محمود)) نوشته شده است. در زیر قاب های مستطیل شکل یک قاب قرار دارد که در لچکی آن ها تصاویری از واقعه کربلا نقش شده و در قاب اصلی درخت زندگانی دیده می شود. در پایین قاب سال تاسیس را ۱۳۱۰ شمسی نوشته است.



شکل ۵- سردر امامزاده سید تاج الدین غریب(ع)
(ماخذ: نویسندهگان، ۱۳۹۸)

در ورودی آرامگاه چوبی و بالای آن گره چینی کار شده و یک راهرو کوچک که سقف آن عرقچین و با کاشی معقلی تزئین شده است. درون حیاط نیز کتیبه هایی وجود دارد که با خط ثلث بر زمینه لاجورد نوشته شده که یکی از کاتبان کتیبه ها محمد نعمتی است. همچنین قاب هایی داخل حیاط کار شده که به صورت معرق تزئین شده است. بالای ورودی اصلی آرامگاه یک مقرنس کار شده و بر روی کاشی هفت رنگ صحنه کشته شدن حضرت علی اکبر(ع) را نقش کرده اند. درون حرم با هنر آئینه کاری تزئین شده و بر ساقه داخلی گنبد سوره ((اعلی)) نوشته شده است. درون ضریح دو قبر وجود دارد که یکی متعلق به سید تاج الدین غریب(ع) و دیگری متعلق به سید حسن بن مثنی می باشد.

۴-۳- مکتب سقاخانه ای

درک مفهوم آب در معماری همان درک معماری آب است. فهم قوانین فیزیکی رفتار آب، احساسات ما در مقابل کنش و واکنش آب و مهمتر از همه نقش و تمثیل و ارتباط آن با حسینی، تکیه، سقاخانه، امامزاده و ... تاثیرگذار بوده و نمادهای مذهبی به وضوح در اینگونه اماکن تبلور یافتند(عناصری، ۱۳۸۳: ۱۲۱). سقایی و سقاییت زندگی انسان ها. طراح و معماری که آب را در مجموعه خود وارد می کند، گنجینه ای از خصوصیات فیزیکی، اسطوره ها و تمثیل ها را به خدمت می گیرد که به کار او قدرت و غنا می بخشد. ارتباط کنونی ما با آب میراث پیوند کهن انسان با آن است(مور، ۱۳۸۱: ۲). از آنجا که آب با زایش و زایندهی در ارتباط بوده، این عنصر افزون بر ایران باستان، در میان باورهای سایر فرهنگ ها نیز حامی، ایزدبانو و مولکی مونت داشته است. تقدس آب در اندیشه ایرانی موضوعی فراگیر و قابل توجه است که این موضوع را می توان با برداشت های مستند از اسناد تاریخی به جای مانده پیگیری کرد. با ورود اسلام به سرزمین ایران، پس از مدتی تقریباً دین زرتشت از میان مردم رخت بریست و بیشتر ایرانیان به اسلام روی آوردند. با شهادت امام حسین(ع) در کربلا، شیعه نماد شهادتی با تاثیر احساسی منسجم و پایدار را به دست آورد و این تفکر شیعی در ایران بر نوع معماری و آذین بندی اماکن موجود اسلامی همچون به واقع اصلی ترین دلیل احداث بنای سقاخانه ها و آب خوری ها در سرزمین های اسلامی است. سقاییت و سقایی در اصل واژگانی عربی هستند که در فرهنگ فارسی به معنای آب نوشاندن و دادن و فروختن آب استفاده می شوند. در دین مبین اسلام، سقایی و سقاییت دارای ارزش والایی بوده و در روایات متعددی از این عمل تقدیر شده است. سقا به کسی می گویند که به دیگران آب می دهد، پس این واژه به رابطه آب با بنا دلالت دارد و از طرفی همه سقاخانه ها وقف حضرت ابوالفضل هستند(رحیم زاده، ۱۳۸۲: ۳۷). سقاخانه از سویی جایگاه همگانی نوشیدن آب است که عابران تشنه را به سوی خود می کشاند و از لحاظ دیگر نهادی مذهبی است که مخارجش را مساجد همسایه یا اشخاص نیکوکار می پردازند. همانطور که گفته شد سقاخانه علاوه بر جنبه کاربردی مهمی که ایفا می کرد به عنوان بنایی معنوی در بین ایرانیان ظاهر شد و چنین بود که این سازه معمارانه به دست هنرمندان متدین تبدیل به تابلویی نمادین، تبلور از مفاهیم معنوی در پس اشکال و نقشمایه های ظاهری شد. در واقع این تمثیل ها با روحیات مردم عجین شده و نوعی فهم نمادین بالایی را ایجاد کرده است(اعتمادی، ۱۳۷۷: ۳۰). در چنین شرایطی بود که گروهی از هنرمندانی ظهور کردند که در حقیقت در پی ایجاد پل ارتباطی بین آثار و هنرهای اجداد ما و هنر جدید امروزی و در این فکر بودند که نوعی نقاشی خلق کنند که هم ایرانی و وابسته به افکار و عقاید مردم ایران باشد و هم نشانگر افکار و احساس های انسان عصر حاضر و از این رو بود که اصطلاح مکتب نقاشی سقاخانه برای توصیف آثار این گروه از هنرمندان ایرانی که می کوشیدند پلی میان سنت و مدرنیته بنا کنند ایجاد

گردید(عابدوست و کاظم پور، ۱۳۸۹: ۴۹). عموماً بنای سقاخانه‌ها به شکل اتاقی با در و پنجره ارسی چوبی است که هنگام نیاز، آن‌ها را بالا و پایین می‌برده‌اند و به وسیله نقوش مشبک و زیبایی‌گره چینی زینت شده‌اند و موقعیت بیشتر آن‌ها در کنار درب مساجد و تکیه‌ها و یا در نزدیکی آن‌هاست و در بسیاری از موارد نیز این بناها در محل تقاطع پر آمد و شد مردم نظیر بازار و بازارچه ساخته شده‌اند (دادمهر، ۱۳۸۹: ۷۸). مکتب سقاخانه مهم‌ترین مکتب نقاشی ایران از حیث وسعت و شهرت می‌باشد. نقاشان این مکتب اگرچه در اسلوب و سبک از روش جهانی زمان الهام می‌گیرند اما موضوع‌ها و نقشمایه‌های سنتی و مرسوم را به کار می‌گیرند. این هنرمندان از لحاظ شگرد کار به طور قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر فرق دارند ولی همگی در مراجعه دایمی به مضمون‌ها و نمادهای هنر و زندگی سنتی ایرانی سهمیم‌اند (اتینگهاوزن و یارشاطر، ۱۳۷۹: ۳۷۵). هنرمندان سقاخانه، راه رسیدن به هنری با هویت را نه در انتخاب موضوع‌های مالوف و یا استفاده از نگارگری قدیم، بلکه در بهره‌گیری از گنجینه هنرهای تزئینی و عامیانه و نیز خوشنویسی فارسی دانستند. نام سقاخانه جایی که مظهر مجموعه‌ای از اعتقادات و اعمالی است که پیوند تنگاتنگ با گذشته نزدیک ایران دارد تصویر آن خاطرات جامعه‌ای را زنده می‌کند که هنوز در معرض نیروهای شگفت‌انگیز تغییر و تبدیل نیافته است. در شهر شیراز سقاخانه‌های زیادی وجود داشته که امروز متأسفانه بسیاری از آن‌ها تخریب شده است. از جمله این سقاخانه‌ها می‌توان به سقاخانه پشت مسجد بغدادی، سقاخانه بازارچه حاج زینل، سقاخانه کنار مسجد مولا، سقاخانه بازارچه فیل، سقاخانه پشت مسجد عتیق و ... اشاره نمود. در ذیل به سقاخانه‌هایی پرداخته شده که موضوع عاشورا بر دیواره‌های آن‌ها نقش بسته بوده است.

۴-۳-۱- سقاخانه مشیرالملک

سقاخانه مشیر یکی از مهم‌ترین سقاخانه‌های شیراز است که در محله سنگ سیاه و در مجموعه تاسیسات خاندان مشیر قرار دارد. این سقاخانه به فاصله کمی از حسینیه مشیر قرار گرفته و روزی حال و هوای دیگری داشته اما امروزه متأسفانه کاشیکاری‌های آن تخریب شده و وضعیت مناسبی ندارد. از باقیمانده کاشیکاری این بنا می‌توان موضوع نقاشی آن را دریافت. در گوشه سمت راست این بنا نقشی بر کاشی دیده می‌شود که صحنه کربلا را نشان می‌دهد.



شکل ۶- سقاخانه مشیرالملک (ماخذ: نویسندگان، ۱۳۹۸)

۴-۳-۲- سقاخانه ابوالفضل(ع)

قدمت این سقاخانه به سال ۱۲۶۰ هجری قمری برمی‌گردد اما در سال ۱۳۹۲ هجری شمسی مرمت گردیده است. بالای این سقاخانه تصویر حضرت ابوالفضل(ع) دیده می‌شود که بر روی اسبی که درون رودخانه ایستاده، نشسته و علمی در دست چپ دارد. پشت سر او و در بین نخلستان، چادرهای سفیدی بر پا شده که احتمالاً مربوط به خاندان اهل بیت(ع) است. در اطراف سقاخانه ۴ کتیبه دیده می‌شود که به ترتیب از سمت راست عبارتند از:

۱. دعای فرج که با خط ثلث بر روی کاشی لاجوردی هفت رنگ نوشته شده و خطاط آن آقای یزدی بوده است.

۲. حدیث ((السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِکَ عَلَیْکَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ (أَبْدًا) مَا بَقِیتَ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِیَارَتِکُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَیْنِ وَ عَلَى عَلِ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَیْنِ)) که با خط ثلث بر روی کاشی لاجوردی هفت رنگ نوشته شده است.

۳. زیارت قمر بنی هاشم حضرت عباس(ع)

السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا ابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَأَقْدَمِهِمْ إِيْمَانًا، وَ أَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَخِيكَ فَنِعْمَ الْآخِ الْمَوَاسِي)) که با خط ثلث بر روی کاشی لاجوردی هفت رنگ نوشته شده است.



شکل ۷- سقاخانه حضرت ابوالفضل (ماخذ: نویسندگان، ۱۳۹۹)

۴. آیه ۵۱ و ۵۲ سوره قلم ((وَ إِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيَرْثُوكُمْ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ)) بر روی کاشی لاجوردی هفت رنگ و با خط ثلث نوشته شده است.

از دیگر تزئینات سقاخانه می توان به کاشی های هفت رنگ با طرح گل اشاره کرد که در قسمتی از آن ها اسامی الله، حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، اما حسن(ع) نوشته شده است.

۴-۳-۳- سقاخانه قصر دشت



شکل ۸- سقاخانه قصر دشت (ماخذ: نویسندگان، ۱۳۹۷)

سقاخانه قصر دشت در نزدیکی چهارراه قصر دشت قرار دارد و امروزه برای دیدن کاشیکاری بسیار زیبای آن باید وسایل زیادی را جا به جا کرد. متأسفانه سقاخانه تبدیل به زغال فروشی شده و این کاشیکاری ها نیز پنهان شده است. دیوار این سقاخانه با کاشی هفت رنگ تزئین و نقوشی بر روی آن ها دیده می شود. بر روی دیوار روبروی ورودی و در بالای آن با خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی رنگ عبارت: ((بسمه تعالی ایالت مملکت شاهزاده عبدالحسین میرزا حضرت اقدس مملکت فارس و بنادر دامت شوکه)).

در پایین آن دو کتیبه وجود دارد که بر روی کتیبه سمت راست عبارت ((بسی حاج حیدر آبدارباشی انجام رسید)) و در کتیبه سمت چپ عبارت ((فیسنه ۱۳۳۸ حرره عبدالعلی اشرف الکتاب الیزدی)) نوشته شده است.

در وسط دو کتیبه، دو شیر، تاجی را گرفته اند و در گوشه های لچکی، دو کتیبه کوچک وجود دارد که در سمت راست عبارت ((عمل استاد)) و در سمت چپ عبارت ((عبدالرزاق)) نوشته شده است.

در پایین و بر روی کاشی، شخصی که دور سرش هاله ای از نور قرار دارد، بر روی اسب سفید نشسته و علمی در دست راستش می باشد که به احتمال زیاد امام حسین(ع) می باشد. در قسمتی از تصویر، چادرهای سفیدی قرار دارد که مربوط به خاندان اهل بیت است و یک خورشید قاجاری در حال تابش می باشد. در بالای تصویر عبارت ((در کارخانه میرزا عبدالرزاق کاشی پز ۱۳۳۸)) نوشته شده است.

بر روی دیوار سمت راست و چپ سقاخانه، درویشی نقش شده که تبریز و کشکولی در دستش دیده می شود و بر روی کلاهش ((یا الله، مولاف مصطفی، علی و ...)) نوشته شده است.

۵- حسینیه مشیرالملک

با وجود اهمیت زیاد مساجد در سراسر جهان تشیع، حسینیه ها در اجرای مراسم ویژه سوگواری شیعی نظیر سینه زنی، روضه خوانی و ذکر مصایب اهل بیت، نوحه خوانی و وعظ جایگاهی اختصاصی یافته اند. حسینیه ها به ویژه در ماه های محرم و صفر، کانون اصلی مراجعه و پر رونق ترین مرکز ارتباط جمعی مناطق شیعه نشین به شمار می روند. حضور مردم در این مکان ها و همیاری آن ها برای آماده سازی و تامین خدمات و اجرای مراسم، بدون در نظر گرفتن سن و جنسیت و وضع مالی و جایگاه و رتبه اجتماعی، امکان گسترده ای برای تقویت حس همدلی و همبستگی شیعیان فراهم می آورد و چون حسینیه های هر محل معمولاً حتر هویت محلی ویژه خود هستند، این کارکرد اجتماعی حسینیه ها در مقیاس محله، مناسبات عمیق و ریشه داری را در میان ساکنان ایجاد و تقویت می کند به ویژه در ادوار متاخرتر، حسینیه ها مرکزی برای برنامه های عام المنفعه بوده اند.



شکل ۹- سنتوری حسینیه مشیر (ماخذ: همایونی، ۱۳۷۱)

به دلیل متاخر بودن واژه حسینیه و فقدان آن در متون کهن، این ساختار ظاهراً در امتداد ساختارهای مسجد، زاویه و تکیه و در نتیجه ترکیب و تلفیق و بازتولید بخش هایی از ساختار و کارکردهای آن ها از عصر صفوی به بعد و به احتمال زیاد نخستین بار در حوزه فرهنگی شیعی ایران به وجود آمده است. در دوره آل بویه به دستور معزالدوله دیلمی در سال ۳۵۲ ه.ق مردم در روز عاشورا خیمه هایی برای عزاداری در خیابان ها برپا می کردند. برپا کردن این خیمه ها به عنوان محل های موقت عزاداری حسینی با استفاده از داربست های چوبی یا فلزی و پوشاندن آن ها با پارچه های برزنتی، همچنان مرسوم است اما درباره احداث بناهای دایم با عنوان حسینیه در منابع قدیمی گزارشی نیامده است.

آیین‌های عزاداری در مساجد، مزار معصومان، امامزاده‌ها، بازارها، تکیه‌ها و جز این‌ها برگزار می‌شده و اختصاص بنایی به نام حسینیه به عنوان عزاداری به احتمال بسیار از دوره قاجار تثبیت شده است چنانکه تاریخ بنای حسینیه‌های مهم و معروف نیز تاریخی قدیمی‌تر را نشان نمی‌دهد.

حسینیه مشیر در محله سنگ سیاه شیراز واقع شده است. بنای حسینیه مشیر، حاجی میرزا ابوالحسنخان سیوندی ملقب به مشیرالملک ثانی فرزند میرزا محمدعلی سیوندی است. مشیرالملک از سال ۱۲۶۲ تا ۱۲۹۳ ه.ق منصب حاکم فارس را به عهده داشته است. تاریخ اتمام بنای حسینیه مصادف با تاریخ عزل او یعنی سال ۱۲۹۳ ه.ق است. بعد از فوت او این حسینیه کاربری خود را به مدرسه تغییر داد و به مدرسه سلطانی معروف شد. وضع حسینیه چنان بوده که از سوی جنوب به باغ مشیر مربوط می‌شد و از راه خانه مشیر و از طریق مطبخ خانه و بازارگونه‌ای که در سمت شرق خانه و حسینیه بود به مسجد مشیر ارتباط می‌یافت. یکی از شاهکارهای این حسینیه هلال یا پیشانی ضلع شمالی بنا بوده که با کاشی هفت رنگ تزئین شده بوده و متأسفانه امروزه تخریب شده است و به احتمال زیاد به دلیل آتش سوزی بوده که در این بنا رخ داده است. به گفته صادق همایونی این کاشیکاری از شاهکارهای هنری این حسینیه است و اوج تکامل هنر کاشیکاری دوران قاجار را نشان می‌دهد. طول این پیشانی ۸ متر و ارتفاع آن از سطح بام ۳ متر و ۳۰ سانتیمتر و از نقاش معروف دوره مشیرالملک یعنی آقا میرزا بزرگ می‌باشد. با توجه به تاریخ ساخت این کاشیکاری می‌توان آن را در ردیف نخستین تصاویر نقاشی قهوه‌خانه‌ای با موضوع واقعه عاشورا است. نحوه به تصویر کشیدن مهمترین صحنه‌های روز عاشورا در قاب‌های متعدد در کنار یکدیگر در این بنا را می‌توان منبع الهام نقاشان محلی و ظهور نقاشی قهوه‌خانه‌ای و گرایش‌های هنری مشابه در دوره‌های بعد دانست. در کتاب ((نقاشی روی کاشی)) درباره این قاب کاشی آمده است: ((تابلوی ۸ متری حسینیه مشیر از کاشی‌های هفت رنگ زیبا و با موضوعاتی از قبیل روز قیامت، بهشت و جهنم، واقعه عاشورا و اشعاری چند به تصویر کشیده شده است. سید هاشم کاشی‌نگار وقتی به حسینیه مشیر می‌رفت می‌گفت با دیدن این مجالس باور می‌کنم که دیگر جایی برای ابراز ذوق و سلیقه و ادای دین ما باقی نمانده است (سیف، ۱۳۷۶: ۳۶). کاشی‌نگار حسینیه مشیر شامل نه مجلس بود که در دو ردیف اجرا شده بود. موضوع مجالس ردیف زیرین دنیوی و زمینی و مربوط به روز عاشورا و موضوع ردیف بالا، دنیای پس از مرگ است (بهپور، ۱۳۸۵: ۱۰۷). تصاویر عاشورایی سنتوری حسینیه مشیر به شرح ذیل بوده است:



شکل ۱۰- حسینیه مشیر (ماخذ: همایونی، ۱۳۷۱)



شکل ۱۱- سنتوری حسینیه مشیر (ماخذ: همایونی، ۱۳۷۱)

۱. بردن حضرت علی اصغر(ع) به صحنه نبرد: امام حسین(ع) سوار بر ذوالجناح، پرچم و نوزاد قنطاق پیچی(علی اصغر) را با دست چپ در آغوش دارد. در تمامی قاب‌ها، اتمه معصومین دارای هاله نور بر گرد سر خود هستند. پنج زن روینددار و چهار بچه در تصویر حضور دارند که دو بچه در نزدیکی اسب امام در حال خواهش کردن از ایشان هستند و اندازه آن‌ها به نسبت اسب، بسیار غیر عادی است. هفت فرشته بالدار با موهای مشکی در اطراف سر امام، دست خود را به سوی او دراز کرده و به او نگاه می‌کنند.

۲. شهادت حضرت علی اکبر(ع): امام سر فرزند جوان خود را در حالی که فرق او شکافته و خون از آن روان است در آغوش دارد. علی اکبر چهره‌ای با ویژگی قاجاری دارد: پیشانی فراخ، ابروهای به هم پیوسته، چشمان بادامی و ...

۳. بریدن سر حضرت قاسم(ع): قاسم نوجوان را در میان صحنه در حالی که در آغوش حضرت قرار دارد به او نگاه می‌کند. دو تن از اشقیایا به سمت آن‌ها یورش آورده و یکی از آن‌ها با یک دست، موی او را در چنگ دارد و با دست دیگر، گریبان قاسم را گرفته، در حالی که نفر دیگر، شمشیری از نیام به قصد بریدن سر او برکشیده است. در سمت راست این قاب، هفت جسد بدون سر در یک ردیف نقش شده‌اند.

۴. مذاکره با امام (ع) برای مصالحه: امام سوار بر اسب و نیزه‌ای در دست، بزرگترین شخصیت این مجلس است. بالاپوش حضرت و سر و سینه اسب، پر از تیرهایی است که به سوی ایشان پرتاب شده است. مردی با پوشش عربی، سوار بر شتر در حالی که ترکه‌ای در دست چپ و طومار پیچیده‌ای در دست راست دارد، دیده می‌شود. در پایین صحنه در نزدیکی سر اسب، درویشی با موهای بلند، لباس آبی و کشکولی بر دست، نیم رخ ترسیم شده و افسار اسب حضرت را گرفته تا او را از ادامه رساتش باز دارد. در پشت درویش، چهار شخصیت با لباس قاجاری و تاج‌های زرین، دست به سینه اما شمشیر به دست، پشت سر هم صف کشیده‌اند.



شکل ۱۲- سنتوری حسینییه مشیر
(ماخذ: همایونی، ۱۳۷۱)



شکل ۱۳- سنتوری حسینییه مشیر
(ماخذ: همایونی، ۱۳۷۱)

در پشت حضرت، ده نفر نیمه برهنه با چشمان گرد و نیزه های بلند در ردیف سه تایی ایستاده اند و به نظر می رسد، سپاه جنیان هستند. شش فرشته در دو ردیف در دو سوی حضرت ایستاده اند، در حالی که در هر دست، چیزی شبیه پرند را به او تقدیم می کنند.

۵. رشادت حضرت ابوالفضل العباس(ع): حضرت عباس(ع) با لباس رزم و سوار بر اسب، بزرگترین شخصیت این مجلس است. پشت سر حضرت، هاله قدسی وجود دارد. ایشان شمشیر را با دست چپ گرفته و بدن سوارکاری از اشقیا را از فرق سر به دو نیم کرده است. تعدادی جسد و سرهای بدون بدن در پایین قاب دیده می شود. کرناوزان دشمن در حاب تهییج سپاهیان هستند. از پشت سر آن ها نیزه هایی برآمده است. همه این نشانه ها حاکی از تعداد زیاد دشمن در برابر حضرت ابوالفضل است.

۶ ناظران کارزار: در این مجلس، پانزده نیزه دار در سمت چپ تصویر هستند، در حالی که فقط هفت اسب را می توان دید. در پیشاپیش آنان سرداری ریش سفید، سوار بر اسبی قهوه ای، با لباس و کلاه درباری و چتر کوچکی در دست چپ، به خوبی در قاب جای گرفته اند.

نتیجه گیری

در طول تاریخ، همیشه مذهب نقش بسیار مهمی در زندگانی مردمان داشته تا جایی که تاثیر آن در هنرهای هر دوره نمایان بوده است. در دوران اسلامی، مذهب نقش پر رنگ تری به خود گرفت و مضامین مذهبی نه تنها در بناهای شهرها بلکه در خانه های مردم نیز نمود پیدا کرد. در میان نگاره های ایرانی اسلامی، نگاره هایی با موضوع عاشورا که از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند، در زمان قاجار مورد استقبال قرار گرفت و توجه به مضامین عاشورایی و نمادهای تمثیلی آن در بین هنرمندان آن دوره به بیشترین حد خود تا آن زمان رسید و با جان و قلب ایرانیان پیوندی ناگسستنی تا به امروز یافت. در این دوره مضامین عاشورایی و مذهبی در بسیاری از بناهای شهرهای ایران نقش بست که شهر شیراز نیز جزو آن ها بود. امروزه در شهر شیراز، بناهایی که موضوع عاشورا در آن ها کار شده، بسیار محدود است و دلیل آن یا تخریب بناهای مرتبط بوده و یا این که هنر کاشیکاری انجام نشده و مضمون عاشورا در هنرهای دیگر انجام شده است. با توجه به اهمیت گردشگری شهری و به خصوص گردشگری مذهبی و از آن جایی که شیراز به عنوان سومین حرم اهل بیت(ع) شناخته شده، این شهر از لحاظ مذهبی دارای پتانسیل بسیار بالایی است که علاوه بر شناخت بناهای مذهبی آن باید مضامین دیوارنگاره های آن ها نیز مورد توجه قرار گیرد تا هر چه بهتر در توسعه گردشگری مذهبی گام نهاد.

منابع

۱. اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، (۱۳۷۹)، «اوج های درخشان هنر ایران»، ترجمه هرمز عبدالهی و رویین پاکباز، تهران، انتشارات آگاه
۲. احمدی، محمدرضا و هوایی، فاطمه، (۱۳۹۸)، «هفت پیچ شیراز، بررسی هفت مسیر گردشگری بافت تاریخی شیراز»، چاپ اول، شیراز، انتشارات پرتو رخسید
۳. اعتمادی، احسان، (۱۳۷۷)، «سقاخانه»، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۳، صص ۲۹-۴۰
۴. افسر، کرامت اله، (۱۳۷۴)، «تاریخ بافت قدیمی شیراز»، چاپ دوم، تهران، انتشارات قطره
۵. بهپور، باوند، (۱۳۸۴)، «کتابخانه نگاری در دوران قاجار»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۹۲-۸۳
۶. تقوایی، مسعود، موسوی، سید علی و غلامی بيمرغ، یونس، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر توسعه گردشگری مذهبی»، فصلنامه علوم انسانی، سال دهم، شماره ۳۱، صص ۶۴-۳۹
۷. دادمهر، منصور، (۱۳۷۸)، «سقاخانه ها و سنگاب های اصفهان»، اصفهان، انتشارات گل ها
۸. رحیم پور، علی و سیدحسینی، سید داوود، (۱۳۷۹)، «جهانگردی اسلامی»، تهران، انتشارات محیا
۹. رحیم زاده، معصومه، (۱۳۸۲)، «سقاتالارهای مازندران»، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی

۱۰. سیف، هادی، (۱۳۷۶)، «نقاشی روی کاشی»، تهران، انتشارات سروش
۱۱. عابد دوست، حسین و کاظم پور، زیبا، (۱۳۸۹)، «جامعه‌شناسی مکتب نقاشی سقاخانه ای»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴، صص ۴۷-۵۸
۱۲. عناصری، جابر، (۱۳۸۳)، «تاثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی ایران»، مجله شیعه‌شناسی، شماره ۷
۱۳. کیان، مریم، (۱۳۹۳)، «حسینیه مشیر شیراز و کاشی نگاره‌ها ۱۳۱۰ ه.ق»، فصلنامه علمی فنی و هنری اثر، شماره ۶۴، دوره ۳۵، صص ۶۷-۹۰
۱۴. محرابی، جواد، خلیلی شورینی، سیاوش و خلفی، احمد، ()، «بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات مدیریت توسعه و تحول، صص ۱-۱۰
۱۵. موحد، علی، (۱۳۹۵)، «مقدمه‌ای بر گردشگری شهری»، تهران، انتشارات پرهام نقش
۱۶. مور، چارلز، (۱۳۸۱)، «آب و معماری»، ترجمه هدی علم‌الهدی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور
۱۷. موسوی، میر نجف، عبدالله زاده، مهدی و باقری کشکولی، علی، (۱۳۹۴)، «گردشگری مذهبی، ماهیت و مفاهیم»، تهران، انتشارات آراد کتاب
۱۸. همایونی، صادق، (۱۳۷۱)، «حسینیه مشیر»، تهران، انتشارات سروش